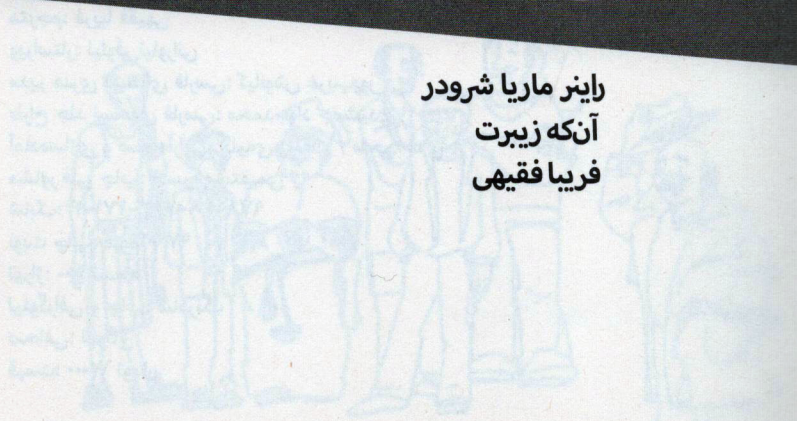


مکتبہ اسلامیہ پاکستان، 100، گلبرگ، لاہور۔ فون: 3733-3734
پتہ: 100، گلبرگ، لاہور۔ فون: 3733-3734
پتہ: 100، گلبرگ، لاہور۔ فون: 3733-3734
پتہ: 100، گلبرگ، لاہور۔ فون: 3733-3734
پتہ: 100، گلبرگ، لاہور۔ فون: 3733-3734
پتہ: 100، گلبرگ، لاہور۔ فون: 3733-3734
پتہ: 100، گلبرگ، لاہور۔ فون: 3733-3734
پتہ: 100، گلبرگ، لاہور۔ فون: 3733-3734
پتہ: 100، گلبرگ، لاہور۔ فون: 3733-3734
پتہ: 100، گلبرگ، لاہور۔ فون: 3733-3734

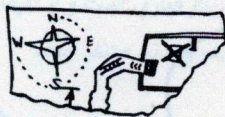
1

عملیات ماہیتابہ

راینر ماریا شرودر
آنکہ زیبرت
فریبا فقیہی



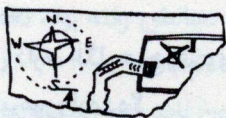
فهرست



۱۱
۱۹
۳۰
۳۸
۴۳
۴۸
۵۴
۶۴
۷۱
۸۰
۸۸
۹۳
۹۷
۱۰۲

جارو کردن گاو صندوق
یک تماس ناشناس
تاج گل نجات بخش
بارون
آخرین اخطار
فکر پکر پلکی
هتل یا کلوپ اشباح؟
پارک هتل
تمرین بدنسازی کارلو
گردنبند در قوطی آرد
آماده باش ضربتی
آل کاپون
یک تاجر الماس دست و دل باز
شش خلافتکار در کمین گانگسترها

جاروکردن گاو صندوق



دالان تنگ بود، عرضش یک و نیم متر و آن قدر کوتاه که باید سرت را خم می کردی. جای همه‌ی کسانی که از فضای بسته می ترسند، خالی! از یک تیرک چوبی خیلی بزرگ، چراغ باتری داری آویزان بود و نور تندش را روی خاک سفت و سخت دیوار می انداخت. صدای قارقار مزاحمی فضای دالان را پر کرده بود. صدا از ژنراتوری می آمد که وظیفه‌ی تازه شدن هوا را به عهده داشت. با این حال، هوا خفه و خاک آلود بود.

تینو تران بدوبیراه گویان بیلچه را در خاک فرو کرد و گذاشت همان جا بماند. همین که پشت کرد، فانوس به صورت سفید عرق کرده اش تابید. شیشه‌های گرد عینک فلزی اش لک داشتند. خراش خون آلودی در پهنای پیشانی بلندش کشیده شده بود. خسته و کوفته خودش را روی جعبه‌ای چوبی انداخت که تا خرخره پر از خاک و سنگ بود.

«گندش بززن! این بیگاری محضه!»

آقای خلافکار که به خاطر دندان‌های جلو آمده اش، تینو اسبی هم صدایش می زدند، این را با غرولند گفت و با دستمال جیبی‌ای که یک زمانی سفید بود، صورتش را پاک کرد.